

# علل و پیامدهای مهاجرت از نواحی جنوبی بلوچستان (مکران) به کشورهای عرب در حوزه خلیج فارس

محمد کریم رئیسی

## پیشگفتار

مرحله چهارم: در این زمان تصمیم قطعی خود را می‌گیرد.

مرحله پنجم: در این مرحله شخص تصمیم خود را اجرا می‌کند: یا دست به مهاجرت می‌زند، یا می‌ماند.

مهاجرتها در جنوب سیستان و بلوچستان بر اثر

این عوامل صورت گرفته است:

نخست: رشد شتابان جمعیت و ابعاد گسترده خانوار، فقر منابع خاک و آب و خشکسالی، محدودیت‌های اجتماعی و اقتصادی.

دوم: وجود درآمد بالاتر و بیشتر در آن سوی حوزه، بهتر شدن جایگاه اجتماعی، رهایی از فشارهای اجتماعی و اقتصادی و حتی دولتی برای افراد خاص.

این مهاجرتها را می‌توان در دو الگو خلاصه کرد:

الف- مهاجرت دائم: مهاجر به تنهایی یا همراه خانواده خود به دلایل گوناگون (اجتماعی، اقتصادی، سیاسی) به آن سوی مرز کوچ می‌کند و با گرفتن پروانه اقامت دائم در کشوری دیگر ساکن می‌شود.

ب- مهاجرت فصلی: این گونه مهاجرت تنها ویژه جوانان است که برای یافتن کار دست به مهاجرت می‌زنند و پس از گذشت کمابیش یک سال به سرزمین خود بازمی‌گردند.

باتوجه به اهمیت مهاجرت در بررسیهای جغرافیایی

مهاجرت و حرکت نشانگر پویایی و تلاش انسان‌هاست؛ یعنی انسان آگاهانه و اندیشمندانه، به علت‌های گوناگون دست به مهاجرت می‌زند. به سخن دیگر، مهاجرت فرآیندی است که پراکندگی جمعیت را برای شکل‌گیری آن نشان می‌دهد.<sup>۱</sup>

مهاجرت در لغتنامه جمعیت‌شناسی سازمان ملل چنین بیان شده است: «مهاجرت شکلی از تحرک جغرافیایی یا تحرک مکانی است که بین دو واحد جغرافیایی صورت می‌گیرد که این تحرک، تغییر از مبدأ یا محل حرکت تا مقصد یا محل ورود است.»<sup>۲</sup>

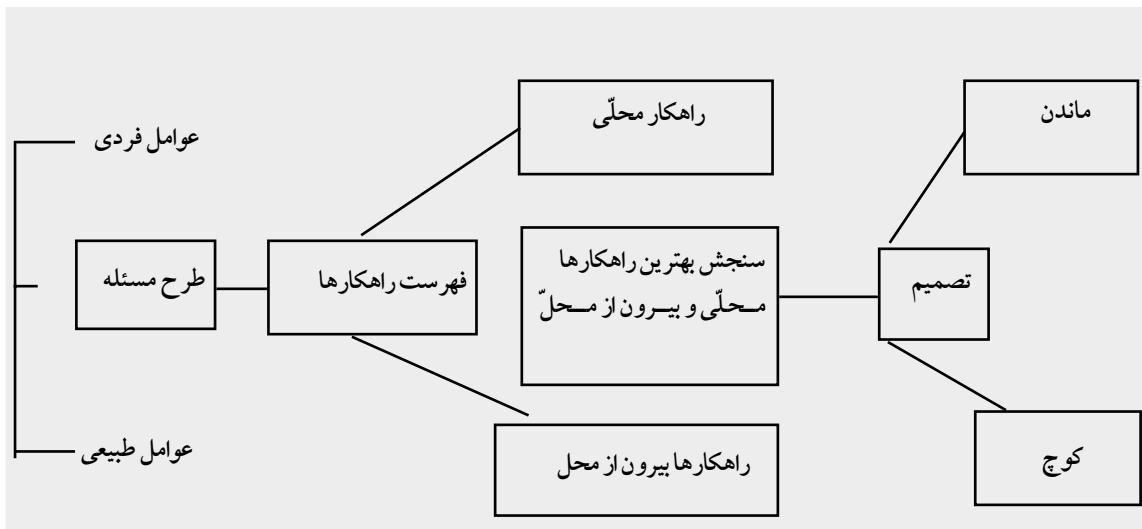
فولر، جغرافیدان آمریکایی الگویی برای تصمیم‌گیری درباره مهاجرت ارائه کرده که مراحل آن در نمودار شماره یک آمده است.<sup>۳</sup>

مرحله نخست: در این مرحله، فرد با مسایلی که زائیده شرایط محیطی و خواسته‌های شخصی است، برخورد می‌کند.

مرحله دوم: در اینجا فرد فهرستی از گزینه‌های گوناگون برای گرفتن بهترین تصمیم را مورد بررسی قرار می‌دهد.

مرحله سوم: در این مرحله انسان با سنجش امکاناتش در جایی که هست و بیرون از آن راه‌حلی برمی‌گزیند.

## نمودار شماره یک: الگوی فولر برای تصمیم به کوچیدن یا ماندن



منبع: بیک محمدی، حسن. تحلیل مکانی جمعیت استان سیستان و بلوچستان.

○ از بررسیهای جمعیت‌شناسی چنین برمی‌آید که ایران در دهه‌های گذشته شاهد جابه‌جایی چشمگیر جمعیت و مهاجرت‌های داخلی بوده و بخشی از نواحی باختری و شمال و جنوب خاوری کشور با ساختار روستایی، نیروی پر شمار روستایی خود را به سوی استانهای میانی و کناره‌های خلیج فارس و دریای عمان رانده‌اند.

در واقع عوامل نامساعد طبیعی و روابط پیچیده اجتماعی و همچنین جاذبه‌های اقتصادی نواحی دیگر سبب کوچ مردمان این مناطق به دیگر نقاط می‌شود؛ شمار چشمگیری از مهاجران برای یافتن کار و گذران زندگی به کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس و دریای عمان رو می‌کنند.

ناحیه‌ای و جغرافیایی جمعیت، بررسی دقیق آثار این تحرکات بر مکران، ضرورت می‌یابد. در این نوشتار بر پایه پرسشگری محلی و با بهره‌گیری از آمارهای موجود در مراکز برنامه‌ریزی رسمی کشور زمینه‌ها و آثار این فرآیند بررسی می‌شود؛ گرچه این گونه مهاجرت‌ها به گونه پنهانی و غیرمتعارف صورت می‌گیرد، اما به هر رو شناخت آن برای برنامه‌ریزی در زمینه توسعه اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی اهمیت بسیار دارد.

### مهاجرت در استان سیستان و بلوچستان:

استان سیستان و بلوچستان از ۱۳۵۵ تا ۱۳۷۵ همواره استانی مهاجرپذیر بوده و آهنگ مهاجرت در دهه ۶۵-۱۳۵۵ بیشتر به چشم می‌آمده است. درصد مهاجرپذیری در دهه ۷۵-۱۳۶۵ نزدیک به ۸ درصد ثبت شده است. از ۱۳۶۵ تا ۱۳۷۵، ۱۸۹۵۰۱ تن وارد استان و جا به جا شده‌اند که محل زندگی گذشته ۲۷/۶۰ درصد از مهاجران، دیگر استان‌ها، ۲۶/۹ درصد شهرهای همین استان و ۴۰/۸ درصد شهرستان محل سرشماری بوده است. همچنین آمارهای ثبت شده نشان می‌دهد که ۱۳/۴ درصد از روستا به شهر، ۴۶/۳ درصد از شهر به شهر، ۳۳ درصد از روستایی به روستای دیگر رفته‌اند.

## جدول شماره (۱) شمار مهاجران در طول ۱۰ سال

نقاط روستایی		نقاط شهری		جمع	آخرین محل اقامت پیشین
زن	مرد	زن	مرد		
۲۹۳۲۴	۴۴۸۴۰	۵۰۶۸۰	۶۴۶۵۷	۱۸۹۵۰۱	جمع
۲۱۰۳	۲۴۵۱	۱۵۰۰۳	۱۶۸۳۶	۷۷۳۸۶۱	شهرستان محل سرشماری
۳۳۱۰	۴۰۰۶	۷۳۳۹	۷۷۲۳	۲۲۲۷۸	شهر
۱۷۲۰	۲۰۵۱۲	۷۶۶۳	۸۱۱۳	۵۵۱۰۸	آبادی
۴۵۹۹	۶۰۱۶	۱۹۳۰۹	۲۱۱۶۲	۵۱۰۸۶	شهرستان‌های دیگر همین استان
۳۴۶۲	۴۴۶۴	۱۷۰۰۶	۱۸۵۲۱	۴۳۴۵۳	شهر
۱۱۷۳	۱۵۵۲	۲۳۰۳	۲۶۴۱	۴۶۳۳	آبادی
۲۷۸۹	۱۲۹۴۸	۱۳۴۸	۲۳۰۹۹	۵۲۳۲۴	شهرستان‌های دیگر استانها
۲۴۴۵	۱۰۱۳۸	۱۲۳۹۳	۲۱۰۱۳	۴۵۹۸۹	شهر
۳۴۴	۲۸۱۰	۱۰۹۵	۲۰۸۶	۶۳۳۵	آبادی
۸۵۶	۱۲۰۸	۲۶۶۱	۳۲۵۶	۷۹۸۱	خارج از کشور
۵۰	۱۵۰	۲۲۰	۳۰۴	۷۲۴	اظهار نشده

منبع: مرکز آمار ایران- نتایج تفصیلی سرشماری عمومی نفوس و مسکن استان سیستان و بلوچستان، ۱۳۷۵

بدین سان، در ده سال پیش از سرشماری ۱۳۷۵ حرکت بیشتر مهاجران از شهری به شهر دیگر بوده است.<sup>۴</sup> از مهاجران به چابهار گشته است. گروهی دیگر از مهاجران به استان را افغانستان تشکیل می‌دهند به گونه‌ای که در دهه ۶۵-۱۳۵۵ نزدیک به ۲۰۰ تا ۲۵۰ هزار افغانی وارد استان شده‌اند.<sup>۶</sup> مهاجرت افغانها به استان، پیامدهایی منفی چون کاهش سطح بهداشت، افزایش بیکاری، کاهش امنیت اجتماعی و بالا رفتن میزان ورود کالاهای قاچاق و مواد مخدر داشته است.

### مهاجرت به شهرها:

در پنج سال پیش از سرشماری عمومی نفوس و مسکن در ۱۳۷۵ نزدیک به ۱۹۰/۰۰۰ تن مهاجر وارد استان شده‌اند و بیشترین میزان مهاجرت به زاهدان ثبت شده است. شهرهای زابل، ایرانشهر، چابهار به ترتیب پذیرای ۴۲۱۱۶، ۲۶۷۳۲ و ۱۷۴۰۲ تن بوده‌اند.<sup>۵</sup>

### مهاجرت به دیگر نقاط کشور:

رشد وابسته و ناموزون اقتصاد کشور، تعادل اقتصادی و اجتماعی میان نواحی گوناگون کشور را به هم زده و نبود تعادل ناحیه‌ای در کشور به گونه‌ای گریز ناپذیر جابه‌جایی و انتقال منابع و جمعیت را به همراه داشته است.<sup>۷</sup> وجود امکانات رفاهی و اقتصادی بیشتر در نقاط گوناگون کشور از یک سو و نبود امکانات رفاهی در سطح استان و دیگر زمینه‌های لازم برای یک زندگی مناسب سبب مهاجرت از شهرهای کوچک به شهرهای بزرگ بویژه تهران و مشهد با شتابی بیشتر شده است. بخش بزرگی از مهاجران این استان به دیگر استانها

در پنج سال پیش از سرشماری عمومی نفوس و مسکن در ۱۳۷۵ نزدیک به ۱۹۰/۰۰۰ تن مهاجر وارد استان شده‌اند و بیشترین میزان مهاجرت به زاهدان ثبت شده است. شهرهای زابل، ایرانشهر، چابهار به ترتیب پذیرای ۴۲۱۱۶، ۲۶۷۳۲ و ۱۷۴۰۲ تن بوده‌اند.<sup>۵</sup> موقعیت مهم استراتژیک، زمینه گسترده ارتباطی، حوزه‌های آبی و خاکی پهناور بویژه حوزه‌های خاوری کشور که محل ورود کالاهای قاچاق است، همواره زمینه‌ساز جذب نیروی نظامی و مهاجرت به استان برای برقراری نظم و امنیت بوده است. همچنین، گسترش فعالیت‌های خدماتی و افزایش مراکز علمی و دانشگاهی و اداری در شهرهای استان زمینه جذب جمعیت را فراهم کرده است. در سالهای اخیر گسترش فعالیت‌های بازرگانی و بندری و نیز پرورش میگو سبب جا به جایی بخش بزرگی

در دهه‌های گذشته شاهد جابه‌جایی چشمگیر جمعیت و مهاجرتهای داخلی بوده و بخشی از نواحی باختری و شمال و جنوب خاوری کشور با ساختار روستایی، نیروی پر شمار روستایی خود را به سوی استانهای میانی و کناره‌های خلیج فارس و دریای عمان رانده‌اند.<sup>۱۰</sup> در واقع عوامل نامساعد طبیعی و روابط پیچیده اجتماعی و همچنین جاذبه‌های اقتصادی نواحی دیگر سبب کوچ مردمان این مناطق به دیگر نقاط می‌شود؛ شمار چشمگیری از مهاجران برای یافتن کار و گذران زندگی به کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس و دریای عمان رومی‌کنند.<sup>۱۱</sup>

### آثار مهاجرت:

مهاجرت گونه‌ای ارتباط میان دو جامعه و فضای جغرافیایی است که از بُعد اقتصادی و فرهنگی می‌تواند پیامدهای مثبت و منفی داشته باشد. تاهنگامی که این جابه‌جایی و مهاجرتها اندک و کم دامنه بوده، آثار محدودی بر جامعه بلوچ داشته است، ولی با افزایش این روند، آثار آن نیز بیشتر و چشمگیر تر شده است.

### آثار جمعیتی و اجتماعی:

یکی از مهمترین پیامدهای مهاجرت بویژه از نواحی روستایی، افزایش کوچ جوانان به خارج از کشور است که سبب افزایش نسبی پیران و زنان در سطح ناحیه شده است. از سوی دیگر، جوانانی که به امید دستیابی به درآمد بهتر بار سفر می‌بندند، ناگزیر سالهای جوانی خود را به کار کردن در آن سوی مرزها می‌گذرانند و همین، از دلایل بالا رفتن سن ازدواج است.

### ○ عوامل اقتصادی از مهمترین علل

مهاجرتهای روستایی است و نبود درآمد کافی و کمبود کار از جمله این عوامل به شمار می‌رود؛ اگر در روستا امکان فعالیت‌های اقتصادی و کشاورزی نباشد، روستایی چاره‌ای جز مهاجرت نمی‌بیند.

کسانی بوده‌اند که به گرگان و دشت گنبد کوچ کرده‌اند به گونه‌ای که در سال ۱۳۴۵ نزدیک به ۶۷۳۸۲ تن از زاده‌های این استان در دیگر استانها زندگی می‌کرده‌اند و ۷۹ درصد از آنان در مازندران و گرگان به سر می‌برده‌اند. در واقع خشک شدن رود هیرمند و فراهم بودن زمینه فعالیت‌های کشاورزی در استانهای شمالی کشور از عوامل مهاجرت به نواحی یادشده بوده است.<sup>۸</sup>

### جدول شماره (۲) شمار مهاجران از سیستان و بلوچستان به دیگر نقاط کشور

نقاط	شمار مهاجران	درصد
دشت گرگان	۳۶۸۷۷	۵۵
گرگان	۱۶۴۶۴	۲۴
مشهد	۳۴۶۸	۵
تهران	۲۴۰۰	۴
کرمان	۱۸۰۰	۱
دیگر شهرها	-	۱۱
جمع	۶۷۳۸۲	۱۰۰

منبع: افراخته، حسن، نقش ویژگی‌های جمعیتی در توسعه استان سیستان و بلوچستان، دانشگاه سیستان و بلوچستان، ۱۳۷۵.

### مهاجرت‌های فصلی:

از دیگر انواع مهاجرت، مهاجرتهای فصلی است. وجود ایله‌ها و عشایر در استان سبب افزایش مهاجرت‌های فصلی شده است. در بلوچستان جنوبی به کوچندگان برمی‌خوریم که جابه‌جایی آنان افقی و دارای جهت شمالی و جنوبی است. هدف از کوچ این گروه دستیابی به چراگاه دام، آب و بهره‌گیری از فصل برداشت خرما (هامین) است. در پیرامون خاش و روستاهای نزدیک آن مانند روستای سنگان دوایل شهنوازی و گمشادزهی دست به کوچ می‌زنند و کوچ آنها در ماههای بهاری و مرداد برای گرده‌افشانی درختان خرما و برداشت خرما انجام می‌گیرد.<sup>۹</sup>

### مهاجرت به کشورهای عرب در حوزه خلیج فارس:

از بررسی‌های جمعیت‌شناسی چنین برمی‌آید که ایران

روستائیان باشد.

کوچ بلوچ داستانی دراز و غم‌انگیز دارد. کوچ نیروی کار بلوچ به کشورهای جنوب خلیج فارس که با بر خورداری از درآمدهای هنگفت نفتی، اقتصادهای رو به پیشرفت و بازارهای پررونق دارند بیشتر شده است. بیشتر مهاجران بلوچ از سر ناداری و فقر و با گرفتن وام به آن سوی آب رفته‌اند تا از رنج گرسنگی خود و خانواده‌شان بکاهند.<sup>۱۴</sup> مطالعات میدانی در سطح شهرهای سیستان و بلوچستان نشان می‌دهد که مهاجران بخش بزرگی از درآمد خود را در شهرهایی چون نیکشهر و روستاهای پیرامون آن صرف ساخت خانه و خرید زمین و مسکن کرده‌اند.<sup>۱۵</sup> این گونه مهاجرتها سبب سرازیر شدن پول به ناحیه و بویژه به روستاها می‌شود؛ پولی که به افزایش تولید نمی‌انجامد، بلکه قدرت خرید روستاییان را بالا می‌برد و سبب افزایش مصرف می‌شود. اما مطالعات میدانی بیانگر این واقعیت است که بخشی از درآمد روستاییان مهاجر که به استان سرازیر می‌شود موجب رونق فعالیت‌های کشاورزی می‌گردد و بر لارویی قناتها اثر مثبت می‌گذارد.

مهاجرت‌های کاری از ایران به کشورهای عرب در حوزه خلیج فارس مانند عمان، امارات عربی متّحده، کویت، عربستان و قطر همچنان ادامه دارد، هر چند در گذر سالها نوسانهایی داشته است.<sup>۱۶</sup>

### آثار فرهنگی:

بی‌گمان پیشینه و زمینه‌های فرهنگی بر چند و چون مهاجرت، گزینش مقصد و چگونگی هزینه کردن درآمدهای ناشی از مهاجرت اثر چشمگیر دارد.<sup>۱۷</sup> بررسی‌ها نشان می‌دهد که بخش بزرگی از درآمد بلوچهایی که در دو دهه اخیر برای کار به شیخ نشینهای جنوب خلیج فارس و پاکستان رفته‌اند، در زمینه‌های مذهبی و امور دینی به کار گرفته شده است.<sup>۱۸</sup>

مطالعات میدانی در سطح استان گویای آن است که هزینه تحصیل بسیاری از دانش‌آموزان در مدارس مذهبی از راه کشورهای حوزه خلیج فارس تأمین می‌شود. همچنین در میان مهاجران کاربرد واژه‌های عربی و لاتین، فراوان به چشم می‌خورد. بدین سان، این گونه مهاجرتها بر آموزش و فرهنگ فرزندان مهاجران سخت اثر می‌گذارد. بر پایه یک پژوهش در روستاهای پیرامون نیکشهر، بیشتر تحصیل‌کردگان در این ناحیه فرزندان مهاجرانی هستند که با

از دیگر آثار مهاجرت بر این ناحیه، افزایش گروههای یکجانشین بوده است.<sup>۱۲</sup> برای نمونه، بخشی از جمعیت روستاهای چانف و عیسی آباد، یکجانشینانی هستند که در فعالیت‌های تولیدی روستا سهم ندارند و درآمدشان از کشورهای عرب در حوزه خلیج فارس تأمین می‌شود. با بسته شدن پرونده غارت و بردگی، گروهی از بردگان به کشورهای یاد شده مهاجرت کرده و توانسته‌اند بسیاری از اعضای خانواده خود را باز خرید کنند.<sup>۱۳</sup>

### آثار اقتصادی:

بر سر هم، عوامل اقتصادی از مهمترین علل مهاجرت‌های روستایی است و نبود درآمد کافی و کمبود کار از جمله این عوامل به شمار می‌رود؛ اگر در روستا امکان فعالیت‌های اقتصادی و کشاورزی نباشد، روستایی چاره‌ای جز مهاجرت نمی‌بیند. در این زمینه، دو نکته گفتنی است:

- ۱- منابع عمده درآمد موجود در روستا باید متناسب با ساختار اقتصادی و اجتماعی روستا باشد.
- ۲- منابع درآمد روستا باید پاسخگوی نیازهای مصرفی

### ○ این گونه مهاجرتها سبب سرازیر شدن

پول به ناحیه و بویژه به روستاها می‌شود؛ پولی که به افزایش تولید نمی‌انجامد، بلکه قدرت خرید روستاییان را بالا می‌برد و سبب افزایش مصرف می‌شود. اما مطالعات میدانی بیانگر این واقعیت است که بخشی از درآمد روستاییان مهاجر که به استان سرازیر می‌شود موجب رونق فعالیت‌های کشاورزی می‌گردد و بر لارویی قناتها اثر مثبت می‌گذارد. مهاجرت‌های کاری از ایران به کشورهای عرب در حوزه خلیج فارس مانند عمان، امارات عربی متّحده، کویت، عربستان و قطر همچنان ادامه دارد، هر چند در گذر سالها نوسانهایی داشته است.



○ ابعاد بالای خانوار در استان (کمابیش هفت تن)، کوچک بودن قطعات زمینهای کشاورزی که در تصاحب خانوارهای خرده مالک است و همچنین کمبود آب و خشکسالی و کشاورزی سنتی، دستیابی به درآمد کافی برای رفع نیازهای همه اعضای خانوارها را ناممکن می سازد و در چنین محیط جغرافیایی و اجتماعی است که کوچیدن برای فروش نیروی کار بهترین راهکار پنداشته می شود. در سایه مهاجرت، فعالیت در مهمترین بخش اقتصادی و درآمدی در روستاهای این استان با مشکل روبه رو شده است به گونه ای که برای آبیاری و برداشت محصول و... خانوارها ناگزیرند از نیروی موجود در بازار کار استفاده کنند که هزینه ای سنگین دارد و باتوجه به درآمد پایین آنها مقرون به صرفه نیست.

- سن بیشتر مهاجران ۱۵ تا ۳۵ سال است، یعنی در سن کار و فعالیت قرار دارند.  
- جاذبه های اقتصادی در کشورهای مقصد از مهمترین علل مهاجرت ها است. ۳/۴ مهاجرت ها بیشتر بر اثر انگیزه های اقتصادی انجام می گیرد.  
- وجود خویشان و آشنایان در آن سوی مرز بویژه در بلوچستان پاکستان بر مهاجرت های برون مرزی افزوده است. حتی وجود مراکز مذهبی و دینی سبب جذب طلاب حوزه های دینی این ناحیه به پاکستان و کشورهای عرب شده و برگرایشهای دینی آنان افزوده است. از آنجا که کالاهای لوکس از پاکستان به استان وارد می شود، جابه جایی میان این دو ناحیه جغرافیایی دیده می شود. در بیشتر موارد مهاجران یک تا دو سال در آن سوی مرز

بهرمندی از امکانات مالی وارد کشور شده و ادامه تحصیل داده اند.

به هر رو، این شیوه مهاجرت همواره پیامدهای منفی فرهنگی داشته و وابستگی به بار آورده و به کمرنگ شدن ارزشها و فرهنگ محلی انجامیده است.

### سن مهاجران، نوع شغل و میزان درآمد آنان

روندهای مهاجرتی تا اندازه زیادی به هدف و درجه تخصص و مهارت مهاجران و ساختار طبقاتی و گروه سنی آنان بستگی دارد.

انگیزه بیشتر مهاجران به کشورهای عرب اقتصادی است و سن آنان نیز به گونه معمول از ۱۵ تا ۳۵ سال است و از این رو جابه جایی این نیروی فعال یکی از عوامل اصلی رکود اقتصادی و کاهش فعالیتهای کشاورزی در سیستان و بلوچستان به شمار می رود.

نیاز کشورهای عرب حوزه خلیج فارس به نیروهای غیر متخصص در زمینه ساختمان سازی و دیگر زمینه های بی نیاز از نیروی ماهر، سبب شده است که بسیاری کسان از سیستان و بلوچستان همراه خانواده به کشورهای عرب حوزه خلیج فارس کوچ کنند و پس از چند سال زندگی در آن کشورها، پروانه اقامت دایم به دست آورند.<sup>۱۹</sup>

بدین سان، بیشتر مهاجران را افرادی تشکیل می دهند که از تخصص و مهارت کافی بی بهره اند ولی توان انجام دادن کارهای یدی و بدنی را دارند.

باتوجه به آنچه گفته شد، مهمترین علل مهاجرت از سیستان و بلوچستان به کشورهای عرب حوزه خلیج فارس را می توان چنین برشمرد:

- امید به افزایش درآمد و بهتر شدن وضع زندگی.
- رخداد بلایای طبیعی در استان.
- کم آبی و خشک شدن نهرها و قناتها.
- وجود زمینه های لازم برای پیشه و کار در کشورهای عرب در حوزه خلیج فارس.
- وجود برخی قرابت های فرهنگی و اجتماعی میان مکران و کشورهای عرب منطقه.
- همچنین درباره مهمترین ویژگیهای مهاجرت از این استان باید گفت:
- مهاجران بیشتر از نیکشهر، ایرانشهر، سرباز، سراوان و چابهار بویژه روستاهای این شهرها هستند.

خرده مالک است و همچنین کمبود آب و خشکسالی و کشاورزی سنتی، دستیابی به درآمد کافی برای رفع نیازهای همه اعضای خانوارها را ناممکن می‌سازد و در چنین محیط جغرافیایی و اجتماعی است که کوچیدن برای فروش نیروی کار بهترین راهکار پنداشته می‌شود.

در سایه مهاجرت، فعالیت در مهمترین بخش اقتصادی و درآمدی در روستاهای این استان با مشکل روبه‌رو شده است به گونه‌ای که برای آبیاری و برداشت محصول و... خانوارها ناگزیرند از نیروی موجود در بازار کار استفاده کنند که هزینه‌ای سنگین دارد و با توجه به درآمد پایین آنها مقرون به صرفه نیست. پرسشگری محلی به روشنی نشان می‌دهد که در میان جوانان روستایی و فرزندان مهاجران به کشورهای عرب، دلبستگی جدی به دنبال کردن کار پدرها وجود ندارد، بلکه گرایش آنان بیشتر به مراکز شهری است. تحصیل در شهر و نبود فرصت اشتغال در روستاها، این گروه را وامی‌دارد که به شهر نقل مکان کنند. گفتنی است که بیشتر مهاجران بی‌سوادند و بررسی‌ها نشان می‌دهد که تنها ۵٪ از آنان توان خواندن و نوشتن داشته‌اند.<sup>۲۳</sup>

### پیشنهادها:

- با توجه به خشکسالی‌های اخیر در سیستان و بلوچستان، دادن وام دراز مدت با بهره اندک می‌تواند از غم و رنج کشاورزان بکاهد. لایروبی قنات‌ها و تضمین خرید فرآورده‌های کشاورزی در این زمینه مؤثر است.
- ایجاد اشتغال از راه زمینه‌سازی برای گسترش صنایع دستی روستایی و فعالیت‌های جنبی.
- مهاجرت به کشورهای همسایه، باید با بررسی‌های کارشناسانه برنامه‌ریزی و کنترل شود تا آثار اجتماعی و فرهنگی منفی به بار نیآورد.
- افزایش میزان سرمایه‌گذاری دولت در استان سیستان و بلوچستان.
- گسترش راه‌های ارتباطی هوایی، زمینی، خط آهن در استان، بویژه در چابهار.
- گسترش و افزایش مراکز درمانی و بهداشتی و نیز مراکز علمی و آموزشی.
- افزایش سرمایه‌گذاری داخلی باشندگان در استان.

○ مطالعات میدانی در سطح استان گویای آن است که هزینه تحصیل بسیاری از دانش‌آموزان در مدارس مذهبی از راه کشورهای حوزه خلیج فارس تأمین می‌شود. همچنین در میان مهاجران کاربرد واژه‌های عربی و لاتین، فراوان به چشم می‌خورد. بدین سان، این گونه مهاجرتها بر آموزش و فرهنگ فرزندان مهاجران سخت اثر می‌گذارد. بر پایه یک پژوهش در روستاهای پیرامون نیکشهر، بیشتر تحصیل‌کردگان در این ناحیه فرزندان مهاجرانی هستند که با بهره‌مندی از امکانات مالی وارد کشور شده و ادامه تحصیل داده‌اند. به هر رو، این شیوه مهاجرت همواره پیامدهای منفی فرهنگی داشته و وابستگی به بار آورده و به کمرنگ شدن ارزشها و فرهنگ محلی انجامیده است

می‌ماند. در واقع در بیشتر موارد مهاجرانی که درآمد پایینی دارند در صورت فراهم شدن هزینه سفر، به کشور باز می‌گردند<sup>۲۰</sup> ترس از سربازگیری، ترس از قانون و وجود تقاضا برای نیروی کار بلوچ از دیگر دلایل مهاجرت از بلوچستان به پاکستان و کشورهای عرب است.<sup>۲۱</sup> روی هم رفته مهاجرت جوانان سبب کاهش فعالیت و تولید کشاورزی در ناحیه مورد پژوهش شده است. بررسی‌ها در روستاهای نیکشهر نشان می‌دهد که فعالیت‌های کشاورزی بر اثر مهاجرت جوانان، به دوش پیران و سالخوردگان افتاده است. جوانانی که توانایی کار کردن دارند راهی کشورهای عرب شده‌اند.<sup>۲۲</sup>

ابعاد بالای خانوار در استان (کمابیش هفت تن)، کوچک بودن قطعات زمینهای کشاورزی که در تصاحب خانوارهای

## یادداشتها

۲۱. ابراهیم‌زاده، عیسی، «مهاجرت‌های روستایی استان سیستان و بلوچستان و علل پیامدهای آن»، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره ۶۰، ۱۳۸۰، صص ۱۴۲ و ۱۶۸.
۲۲. مطالعات محلی نگارنده، نیکشهر، پیشین.
۲۳. همان.

## منابع و مآخذ:

۱. ابراهیم‌زاده، عیسی، «مهاجرت‌های روستایی بلوچستان و علل پیامدهای آن»، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره ۶۰، ۱۳۸۰.
۲. افشار سیستانی، ایرج، بلوچستان و تمدن دیرینه آن، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۱.
۳. امان‌اللهی بهاروند، سکندر، کوچ‌نشینی در ایران، آگاه، ۱۳۷۴.
۴. امین و دیگران، وضعیتی کمی و کیفی مسکن استان سیستان و بلوچستان، سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۶۸.
۵. بیک محمدی، حسن، تحلیل مکانی جمعیت استان سیستان و بلوچستان، دانشگاه اصفهان، ۱۳۷۳.
۶. پاپلی یزدی، محمدحسین، «پیامدهای سیاسی، اجتماعی، اقتصادی بلوچستان بدون تخیل»، شماره ۱۳، ۱۳۶۸.
۷. خلیلی، منصور، گسترش بی‌رویه شهر تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۶۷.
۸. دانشور، رضا، مهاجرت، سازمان برنامه و بودجه سیستان و بلوچستان، بی تا.
۹. رئیس، محمدکریم، تحلیلی بر تنگناها و مشکلات مسکن شهری استان سیستان و بلوچستان، رساله دوره کارشناسی ارشد، دانشگاه یزد، ۱۳۷۹.
۱۰. زاهدانی، زاهد، حاشیه‌نشینی، دانشگاه شیراز، شیراز، ۱۳۶۹.
۱۱. زلینسکی، ویلبر، مقدمه‌ای بر جغرافیای جمعیت، ترجمه فیروز جمالی، سمت، ۱۳۷۰.
۱۲. زنجانی، حبیب‌الله، تحلیل جمعیت‌شناسی، سمت، ۱۳۷۵.
۱۳. شه‌بخش، عظیم، دادشاه، رایزن، ۱۳۷۲، صص ۲۱-۲۲.
۱۴. فرید، یدالله، جغرافیای جمعیت، دانشگاه تبریز، ۱۳۷۱.
۱۵. مطیعی لنگرودی، محمدحسین، جغرافیای اقتصادی ایران و کشاورزی، جلد اول، دانشگاه فردوسی مشهد، ۱۳۷۳.
۱۶. مرکز آمار ایران، سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال‌های ۱۳۵۵ و ۱۳۶۵ و ۱۳۷۵.
۱۷. نظری، علی‌اصغر، جغرافیای جمعیت، گیتاشناسی، ۱۳۶۸.
۱۸. هدایت، محمود، «آثار مهاجرت‌های خارجی ایران»، مجموعه مقالات سمینار جامعه‌شناسی و توسعه، سمت، ۱۳۷۳.

۱. نظری، علی‌اصغر، جغرافیای جمعیت ایران، گیتاشناسی، ۱۳۶۸، صص ۶۹.
۲. زنجانی، حبیب‌الله، تحلیل جمعیت‌شناسی، سمت، ۱۳۷۵، صص ۷۰ و ۷۱.
۳. بیک محمدی، حسن، تحلیل مکانی جمعیت استان سیستان و بلوچستان، رساله دکتری، ۱۳۷۳، صص ۶۴.
۴. مرکز آمار ایران، سرشماری عمومی نفوس و مسکن، سال‌های ۱۳۵۵ و ۱۳۶۵ و ۱۳۷۵.
۵. مرکز آمار ایران، سرشماری عمومی نفوس و مسکن، ۱۳۷۵.
۶. امین و دیگران، وضعیتی کمی و کیفی مسکن استان سیستان و بلوچستان، سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۶۸، صص ۱۱.
۷. خلیلی، منصور، گسترش بی‌رویه شهر تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۶۷، صص ۱۳.
۸. مطیعی لنگرودی، سیدحسن، جغرافیای اقتصادی ایران، انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد، صص ۱۵ و ۲۹.
۹. امان‌اللهی بهاروند، سکندر، کوچ‌نشینی در ایران، آگاه، ۱۳۷۴، صص ۱۶.
۱۰. فرید، یدالله، جغرافیای جمعیت، دانشگاه تبریز، ۱۳۷۴، صص ۲۹۹.
۱۱. افشار سیستانی، ایرج، بلوچستان و تمدن دیرینه آن، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۱، صص ۲۵.
۱۲. دانشور، رضا، مهاجرت، سازمان برنامه و بودجه سیستان و بلوچستان، بی تا، صص ۶۹.
۱۳. پاپلی یزدی، محمدحسین، «پیامدهای سیاسی، اجتماعی، اقتصادی بلوچستان بدون تخیل»، شماره ۱۳، ۱۳۶۸، صص ۲۷.
۱۴. شه‌بخش، عظیم، دادشاه، رایزن، ۱۳۷۲، صص ۲۱-۲۲.
۱۵. رئیس، محمدکریم، تحلیلی بر تنگناهای مسکن شهری استان سیستان و بلوچستان، رساله کارشناسی ارشد، دانشگاه یزد، ۱۳۸۰، صص ۱۵۸.
۱۶. هدایت، محمود، «آثار مهاجرت‌های خارجی ایران»، مجموعه مقالات سمینار جامعه‌شناسی و توسعه، سمت، ۱۳۷۳، صص ۳۷۵.
۱۷. زلینسکی، ویلبر، مقدمه‌ای بر جغرافیای جمعیت، ترجمه فیروز جمالی، سمت، ۱۳۷۰، صص ۶۸ و ۷۳.
۱۸. پاپلی یزدی، پیشین، صص ۲۷.
۱۹. بررسی‌های محلی نگارنده، تابستان ۱۳۸۰.
۲۰. همان.